روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

حماسه اقتصادی حماسه سیاسی

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

برگزیده

- در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد.
- سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها، اقدامها و همه‌ی سیاستهای او شد.
- رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است.
- انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید.

رهبر انقلاب اسلامی در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی(ره):

هر رای مردم در انتخابات، رای اعتماد به جمهوری اسلامی است

اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است؛ حضور حماسی مردم در پای صندوقها است. حماسه یعنی چه؟ حماسه یعنی آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام میگیرد. هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدهید - این هشت نفر آقایان محترمی که در صحنه هستند - رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است. اینکه شما وارد عرصه‌ی انتخابات میشوید؛ چه آن کسی که نامزد ریاست جمهوری است، چه آن کسی که انتخاب میکند - مثل من و شما - نفس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار انتخابات است. | متن کامل در KHAMENEI.IR

نیز رو

انتقاد به معنای سیاه‌نمائی و بی‌انصافی نیست

نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز میکنند؛ این حق آنها است؛ میتوانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمائی و منفی‌بافی و بی‌انصافی؛ به این نکته توجه کنند. من به هیچ کس نظر ندارم. از همین ساعت، رسانه‌های بیگانه با غیظ و غرض‌ورزی خواهند گفت: فلانی نظر به زید یا به عمرو یا به بکر یا به خالد داشت. این، خلاف واقع است؛ من به هیچ کس نظر ندارم؛ من حقایق را عرض میکنم. من به برادرانی که میخواهند اطمینان این مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت میکنم که منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمائی نباشد؛ به معنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای نباشد که چه در این دولت، چه در دولتهای قبلی انجام گرفته است و کسانی مثل خود آنها سر کار آمده‌اند و شب و روز تلاش کرده‌اند و آن کارها را انجام داده‌اند. انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید.

روایت

چپ‌ها و ملی‌گراها حرکت پانزده خرداد را محکوم کردند

نکته‌ی دیگری که در قضیه‌ی پانزده خرداد وجود داشت - که جوانهای ما، مردم عزیز ما باید به این نکات توجه کنند؛ اینها مهم است - این بود که در مقابل این کشتار بیرحمانه‌ای که در تهران و برخی نقاط دیگر به وجود آمد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا، از این سازمانهای به‌اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند؛ هیچ کس اعتراض نکرد. مردم و روحانیت، در صحنه تنها ماندند. مارکسیستها و دولتهای چپ و گروههای چپ، حتّی حرکت مردم در پانزده خرداد را محکوم کردند؛ گفتند این یک حرکت فئودالیستی بود! ملی‌گراهائی که دم از مبارزه میزدند، آنها هم این حرکت را محکوم کردند؛ گفتند یک حرکت کور و بی‌هدف بود، یک حرکت افراطی بود! هر جائی که مردمان عافیت‌طلب و راحت‌طلب، در وسط میدان مبارزه، جائی برای خود باز نمیکنند و خطرپذیری نمیکنند، انسانهای مؤمن و مبارز را به تندی و افراطی‌گری متهم میکنند؛ گفتند اینها افراطی بودند؛ حرکت، حرکت افراطی بود. امام به پشتوانه‌ی این مردم، تنها ماند در میدان؛ اما به معنای حقیقی کلمه، یک رهبر آسمانی و معنویِ قاطع و مصمم را در چهره‌ی خود به همه‌ی مردم و به تاریخ نشان داد.

تکمیلی

اصول امام خمینی(ره)

در سیاست داخلی
تکیه به رأی مردم • تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت • مردمی و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامدارا • دلبستگی مسئولان به مصالح ملت • کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور

در سیاست خارجی
ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب • برادری با ملتهای مسلمان • ارتباط برابر با همه‌ی کشورها به کشورهای دشمن • مبارزه‌ی با صهیونیسم • مبارزه برای آزادی کشور فلسطین • کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان

در عرصه فرهنگ
نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی • نفی جمود و تحجر و ریاکاری در تمسک به دین • دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام • مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه

در اقتصاد
تکیه‌ی به اقتصاد ملی • تکیه‌ی به خودکفائی • عدالت اقتصادی در تولید و توزیع • دفاع از طبقات محروم • مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت، سرمایه و کار • هضم نشدن در اقتصاد جهانی و استقلال در اقتصاد ملی

قول‌هایی که نامزدها باید بدهند

۱. قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد
۲. قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت.
۳. قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگِ خودشان استفاده خواهند کرد.
۴. قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت.
۵. قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد بخوبی خواهند پرداخت.
۶. قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکنند.
۷. قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت.
۸. قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد.

پیشنهاد

مکتب امام:
رهبر معظم انقلاب اسلامی طی بیاناتی در مراسم بیست و چهارمین سالروز ارتحال امام خمینی(ره) ضمن برشمردن سه باور اصلی امام(ره) یعنی باور به خدا، مردم و خود، همگانی شدن این باورها در بین ملت ایران را به عنوان عامل تبدیل ایران به کشوری مستقل و دست‌یابی به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های گوناگون معرفی نمودند.
رهبر انقلاب اسلامی هر ساله در سخنرانی‌های سالیانه‌ی خود در حرم امام(ره) ابعاد مختلف اندیشه و سیره‌ی رهبر فقید انقلاب اسلامی را تبیین نموده و اصول و جهت‌گیری‌های اصلی آن را مورد بازخوانی قرار می‌دهند.

برای مطالعه‌ی بیشتر این موضوع و آشنایی دقیق‌تر با ابعاد گوناگون آن در نگاه و اندیشه‌ی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، مطالعه‌ی مدخل «مکتب امام» در بخش جستار پایگاه KHAMENEI.IR پیشنهاد می‌گردد.

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یک پیامک بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی
KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

و الحمد لله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی ءاله الأطیبین الأطهرین المنتجبین الهداة المهدیّین المعصومین سیّما بقیّة‌الله فی الأرضین.

خداوند متعال را سپاسگزاریم که یک نوبت دیگر به ما فرصت داد، مجال داد، عمر داد تا بتوانیم در یک چنین روزی از امام عزیزمان تجلیل کنیم و به آن بزرگوار عرض ارادت و اخلاص کنیم. اگرچه یاد امام در میان ملت ما همواره زنده است، ولی روز چهاردهم خرداد مظهر دلبستگی ملت ایران به امام بزرگوار است. امسال این روزها مصادف است با سالگرد شهادت جد بزرگوار اماممان، حضرت امام موسی‌بن‌جعفر (علیه الصّلاة و السّلام)؛ همچنین امسال مصادف است با پنجاهمین سال حادثه‌ی تعیین کننده و مهم پانزده خرداد در سال ۱۳۴۲. مسئله‌ی پانزده خرداد، مسئله‌ی مهم و مقطع مهمی است. من مختصراً در این باره عرایضی عرض میکنم تا برسیم به مطالب اصلی و لازم.

پانزده خرداد مبدأ نهضت بزرگ روحانیت و مردم نیست. قبل از پانزده خرداد، در سال ۱۳۴۱ و آغاز سال ۱۳۴۲، قضایای مهمی اتفاق افتاد: در دوم فروردین ۴۲، حادثه‌ی مدرسه‌ی فیضیه پیش آمد و ضرب و جرح طلاب علوم دینی و اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیة‌الله گلپایگانی. قبل از آن، در اواخر سال ۱۳۴۱، قضایای تظاهرات مردم در بازار تهران پیش آمد و در آنجا هم اهانت به مرجع عالیقدر مرحوم آیة‌الله حاج سید احمد خوانساری. اینها نشان‌دهنده‌ی این است که نهضت روحانیت در سال ۴۱ و آغاز سال ۴۲ به آنچنان اوج و نشاطی رسیده بود که پلیس دستگاه جبار و دستگاه‌های امنیتی برخوردهای خشنی با علما و طلاب و حتّی مراجع تقلید داشتند. ولی با این همه، پانزدهم خرداد سال ۴۲ یک مقطع بسیار مهمی است. علت این است که در روز ۱۵ خرداد ۴۲ حادثه‌ای که اتفاق افتاد، پیوند مردم با روحانیت را در این سطح خطرناک و حساس نشان داد. در روز عاشورای آن سال - که روز سیزدهم خرداد بود - امام بزرگوار در مدرسه‌ی فیضیه یک سخنرانی تاریخی تعیین‌کننده‌ای کردند. بعد که امام را دستگیر کردند، در روز پانزده خرداد عمدتاً در تهران، همچنین در قم و در بعضی از شهرهای دیگر، یک موج حرکت عظیم مردمی به راه افتاد و رژیم طاغوت با همه‌ی وجود، با ارتش خود، با پلیس خود، با دستگاه‌های امنیتی خود، دست به سرکوب این حرکت مردمی زد. در پانزده خرداد یک قیام مردمی به وجود آمد. این نشان‌دهنده‌ی این بود که آحاد ملت ایران، با روحانیت، با مرجعیت - که مظهر آن، امام بزرگوار بود - یک چنین پیوند مستحکمی دارند. و نکته اینجاست که همین پیوند است که ضامن پیشرفت نهضت، اوج نهضت و پیروزی نهضت میشود. هر جا یک حرکتی، یک نهضتی به مردم متکی بود و مردم با آن همراه شدند، این نهضت قابل ادامه است؛ اما اگر مردم با یک حرکت اعتراضی پیوند نخوردند، ناکام خواهد ماند؛ کمااینکه بعد از حادثه‌ی مشروطه در ایران قضایائی اتفاق افتاد، مبارزاتی شروع شد، هم از طرف گروه‌های چپ، هم از طرف گروه‌های ملی، اما همه‌ی اینها در طول تاریخ نهضتهای ایران، سرنوشتشان شکست و ناکامی بود؛ چون مردم با اینها نبودند. وقتی مردم وارد میدان میشوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم میشود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم میخورد؛ حادثه‌ی پانزده خرداد این مطلب را نشان داد؛ نشان داد که مردم پشت سر روحانیتند. با دستگیری امام بزرگوار آنچنان قیامتی در تهران و در برخی از شهرستانهای دیگر به راه افتاد که دستگاه را وارد میدان کرد و سرکوب وحشیانه‌ای کردند؛ تعداد نامعلومی - بسیار زیاد - از مردم کشته شدند؛ خیابانهای تهران با خون بندگان خدا و مؤمنان و جوانان سلحشور این ملت، رنگین شد. در پانزده خرداد، چهره‌ی خشن دیکتاتور، چهره‌ی بیرحم رژیم طاغوت، کاملاً خود را نشان داد.

> وقتی مردم وارد میدان میشوند و پشتوانه‌ی یک نهضت، احساسات مردم، اندیشه‌ی مردم و حضور مردم میشود، آن نهضت قابل ادامه است و پیروزی برای آن نهضت رقم میخورد؛ حادثه‌ی پانزده خرداد این مطلب را نشان داد.

اما نکته‌ی دیگری که در قضیه‌ی پانزده خرداد وجود داشت - که جوانهای ما، مردم عزیز ما باید به این نکات توجه کنند؛ اینها مهم است - این بود که در مقابل این کشتار بیرحمانه‌ای که در تهران و برخی نقاط دیگر به وجود آمد، هیچ نهادی از نهادهای دنیا، از این سازمانهای به‌اصطلاح حقوق بشر، زبان به اعتراض نگشودند؛ هیچ کس اعتراض نکرد. مردم و روحانیت، در صحنه تنها ماندند. مارکسیستها و دولتهای چپ و گروههای چپ، حتّی حرکت مردم در پانزده خرداد را محکوم کردند؛ گفتند این یک حرکت فئودالیستی بود! ملی‌گراهائی که دم از مبارزه میزدند، آنها هم این حرکت را محکوم کردند؛ گفتند یک حرکت کور و بی‌هدف بود، یک حرکت افراطی بود! هر جائی که مردمان عافیت‌طلب و راحت‌طلب، در وسط میدان مبارزه، جائی برای خود باز نمیکنند و خطرپذیری نمیکنند، انسانهای مؤمن و مبارز را به تندی و افراطی‌گری متهم میکنند؛ گفتند اینها افراطی بودند؛ حرکت، حرکت افراطی بود. امام به پشتوانه‌ی این مردم، تنها ماند در میدان؛ اما به معنای حقیقی کلمه، یک رهبر آسمانی و معنوی قاطع و مصمم را در چهره‌ی خود به همه‌ی مردم و به تاریخ نشان داد.

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی
KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکتهای امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد. امام با دل خود با مردم حرف زد، مردم هم با جان خود به او لبیک گفتند، به وسط میدان آمدند و مردانه ایستادند و حرکتی که از هیچ نقطه‌ای از دنیا نسبت به آن، نگاه محبت‌آمیزی وجود نداشت و دست کمکی دراز نشد، بتدریج به سمت پیروزی حرکت کرد و در نهایت به پیروزی رسید.

من این سه باوری را که در امام وجود داشت، اندکی باز کنم. اینها مطالب مهمی است که اگر چنانچه در دل ما جائی باز کند، مسیر حرکت ما را روشن خواهد کرد.

در باور به خدا، امام مصداق این آیه‌ی شریفه بود: «الّذین قال لهم النّاس انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل».(۱) «حسبنا الله و نعم الوکیل» را امام با همه‌ی وجود ادا میکرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده‌ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که «ان تنصروا الله ینصرکم»(۲) وعده‌ی الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه میشناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت میتواند مثل خورشید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام این را قبول داشت.

اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر میشود و با شجاعت، پیشوائی مردم را به عهده میگیرد، این ملت میتواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را میشناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندوده‌های ساخته و پرداخته‌ی دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیقِ تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه میکنید که امام در مقابله‌ی با قدرتهای سلطه‌گر لحظه‌ای از پا ننشست، عمدتاً به‌خاطر همین بود که قدرتهای سلطه‌گر، دشمن سعادت مردم بودند و امام دشمن مردم را دشمن میداشت.

> امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده‌ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که «ان تنصروا الله ینصرکم» وعده‌ی الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه‌ی فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرتهای خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهاری بر کشور حکومت میکرد، تهدید کرد که اگر اینجور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند! این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه‌ی بین‌المللی؛ فقط به اتکاء ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم. این، اعتماد به نفس بود. امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. عزیزان من! صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمیتوانید کشورتان را اداره کنید، نمیتوانید عزت به دست بیاورید، نمیتوانید ساخت‌وساز کنید، نمیتوانید در میدان علم حرکت کنید، نمیتوانید؛ ما هم باورمان شده بود.

یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمیتوانید» است؛ که ملتها مأیوس شوند، بگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه‌ی میدانهای زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما میتوانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم؛ حرکت کردیم، اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه‌ی میدانها - که حالا اشاره‌ای خواهم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.

این سه باور در امام - یعنی باور به خدا، باور به مردم، باور به خود - محور همه‌ی تصمیم‌گیری‌های او، همه‌ی اقدامهای او و همه‌ی سیاستهای او شد. در آغاز نهضت، همین سه باور به امام قدرت داد؛ در دوران تبعید، همین جور؛ در وقتی که امام به پاریس حرکت کرد، همین جور؛ در وقتی که به ایران آمد، همین سه باور به امام این قدرت را داد که در آن شرائط وارد تهران شود؛ در حوادث بهمن ۵۷، در فتنه‌های داخلی، در اعلام نظام جمهوری اسلامی، در ایستادگی صریح در مقابل نظم ظالمانه‌ی جهانی، در اعلام «نه شرقی، نه غربی»، در جنگ تحمیلی، و در همه‌ی قضایای آن ده سال پرحادثه‌ی زندگی امام، همین سه باور در امام متجلی بود. منشأ تصمیم امام، منشأ اقدام امام، منشأ سیاستهای امام، همین سه باور بود.

تا روزهای آخر زندگی، هیچ کس در حرف و عمل امام بزرگوار ما، نشانی از افسردگی و تردید و خستگی و وادادگی و تسلیم‌طلبی پیدا نکرد. بسیاری از انقلابی‌های دنیا وقتی

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یک پیامک بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی
KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

که از دوران جوانی خارج میشوند و به پیری میرسند، دچار تردید میشوند، دچار محافظه‌کاری میشوند؛ حتّی گاهی حرفهای اصلی خودشان را هم پس میگیرند. بیانیه‌های امام در سالهای آخر عمر، حتّی از سخنان سال ۴۲ ایشان گاهی انقلابی‌تر بود، تندتر بود، قوی‌تر بود؛ پیر میشد، اما دل او جوان بود، روح او زنده بود؛ این همان استقامتی است که در قرآن کریم میفرماید: «و ان لو استقاموا علی الطّریقة لاسقیناهم ماء غدقا».(۳) در آیه‌ی دیگر میفرماید: «انّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزّل علیهم الملائکة».(۴) این سه باور، امام را زنده نگه داشت؛ جوان نگه داشت؛ فکر امام و راه امام و طریقه‌ی امام را برای این ملت، ماندگار و ثابت کرد؛ آن وقت همین سه باور بتدریج در مردم ما، در جوانان ما، در قشرهای گوناگون، همگانی شد؛ امید پیدا شد، اعتماد به نفس پیدا شد، توکل به خدا پیدا شد؛ اینها جای یأس را گرفت، جای تاریک‌نمائی را گرفت، جای بدبینی را گرفت؛ مردم ایران روحیات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد: «انّ الله لایغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بانفسهم»؛(۵) ملت ایران راه خود را، حرکت خود را، انگیزه‌های خود را اصلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که ایرانِ وابسته تبدیل شد به ایران مستقل.

> بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است.

از وابستگی رژیم طاغوتی پهلوی - که بدتر از رژیم مرتجعِ روسیاهِ قاجار بودند - به انگلیس و بعد به آمریکا، چیزهای زیادی هست که جوانهای عزیز ما باید بدانند. وابستگی اینها به حالت شرم‌آور رسیده بود. بعد از انقلاب، یکی از دیپلماتهای برجسته‌ی آمریکا این را گفت و نوشت؛ گفت ما بودیم که به شاه میگفتیم شما به فلان چیز احتیاج دارید، به فلان چیز احتیاج ندارید! آنها بودند که میگفتند این رابطه را باید برقرار کنید، این رابطه را باید قطع کنید؛ نفت را این مقدار تولید کنید، این مقدار بفروشید؛ به کی بفروشید و به کی نفروشید! کشور با سیاست آمریکا، با نقشه‌ی آمریکا، و پیش از آن با سیاست و نقشه‌ی انگلیس اداره میشد. این کشور وابسته تبدیل شد به ایران مستقل، ایران سرافراز. سران فاسد و خائن و پول‌پرست و غرق در شهوات و لذتهای مادی و حیوانی، بر این کشور حکمرانی میکردند؛ این تبدیل شد به نمایندگان مردم؛ جای خود را دادند به زمامدارانی که نمایندگان مردم بودند. در این سی و چند سال کسانی بر این کشور فرمانروائی کردند، قدرت را در دست گرفتند، سیاست و اقتصاد را در دست گرفتند که نماینده‌ی مردم بودند. با همه‌ی ضعفها و با همه‌ی قوّتهائی که در اشخاص مختلف وجود داشت، این خصوصیت همه بود که اینها نماینده‌های مردم بودند؛ کسانی بودند که کیسه‌ای برای خود ندوخته بودند - البته یکی ضعیف‌تر است، یکی قوی‌تر است - این خیلی مسئله‌ی مهمی است. آن سیاستمداران خبیثِ وابسته‌ی طماعِ پستِ فرودست در مقابل دشمنان و خشمگین در مقابل مردم، تبدیل شدند به نمایندگان مردم. کشور عقب‌مانده‌ی ما از لحاظ علمی، تبدیل شد به یک کشور پیشرفته‌ی علمی. ما قبل از انقلاب هیچ افتخار علمی در کشور نداشتیم. امروز دیگران درباره‌ی ما میگویند، مراکز سنجش جهانی درباره‌ی ایران قضاوت میکنند که رشد و شتاب پیشرفت علمی، یازده برابرِ متوسط دنیا است. این چیز کمی است؟ مراکز سنجش علمی پیش‌بینی میکنند که تا چند سال دیگر - تا سال ۲۰۱۷ - ایران در رتبه‌ی چهارم علمی دنیا قرار میگیرد. این چیز کوچکی است؟ آن کشوری که از لحاظ علمی هیچ افتخاری نداشت، تبدیل شد به این.

ما کشوری بودیم که اگر میخواستیم یک جاده، یک بزرگراه، یک سد، یک کارخانه بسازیم، باید به سمت بیگانگان دست دراز میکردیم تا مهندسان خارجی بیایند برای ما سد درست کنند، جاده درست کنند، کارخانه احداث کنند. امروز جوانان این ملت، بدون کمترین اعتنائی به بیگانگان، هزاران کارخانه، صدها سد و پل و راه و بزرگراه در کشور ایجاد میکنند. امروز رشد علمی و فنی و توانائی‌های سازندگی در کشور به این نقطه‌ی از اوج رسیده است؛ آیا شایسته است که ما اینها را نبینیم؟

در زمینه‌ی بهداشت و درمان، برای یک جراحی اندکی پیچیده، بیمار ما باید میرفت در بیمارستانهای اروپا سرگردان میشد، اگر پول داشت؛ و اگر پول نداشت، باید میمرد. امروز در کشور ما پیچیده‌ترین جراحی‌های بزرگ - پیوند کبد، پیوند ریه، کارهای مهم در زمینه‌ی جراحی و پزشکی - انجام میگیرد؛ نه فقط در تهران، در بسیاری از شهرهای دوردست. این توانائی‌ها امروز وجود دارد. ملت ایران در این زمینه احتیاجی به بیگانگان ندارد؛ در این زمینه‌ی بسیار مهم و حیاتی، به استقلال و خودکفائی رسیده است.

بسیاری از نقاط این کشور، فراموش‌شده بود - بنده در دوران پیش از انقلاب، به شهرستانهای مختلف و جاهای گوناگون زیاد سفر میکردم - کمترین نگاهی به مناطق دوردست کشور نمیشد؛ اما امروز خدمات گوناگون در سرتاسر کشور گسترده است؛ در شهرهای دوردست، در روستاهای گوناگون. امروز معنا ندارد که کسی بگوید فلان جا از نیروی برق یا فرضاً از زیرساختهای جاده و امثال اینها محروم مانده است. آن روز اگر یک نقطه‌ای در نقاط دوردست برخوردار بود، مایه‌ی تعجب بود؛ امروز عکسش مایه‌ی تعجب است. آن روز در جمعیت سی و پنج میلیونی کشور، قبل از انقلاب، صد و پنجاه هزار دانشجو بود؛ امروز جمعیت شده است دو برابر، تعداد دانشجو شده است بیست برابر، بلکه سی برابر؛ این یعنی توجه به علم. کثرت دانشجویان، کثرت اساتید، کثرت دانشگاه، قابل توجه است. در هر شهر دورافتاده‌ای، یکی، دو تا، پنج تا، گاهی ده تا دانشگاه وجود دارد. آن روز استانهائی وجود داشت که تعداد دبیرستانهایش به عدد انگشتان دو دست نمیرسید؛ امروز در همان استانها، در هر شهرش، چند دانشگاه، گاهی چندین دانشگاه وجود دارد. این، حرکت عظیم ملت ایران است که به برکت انقلاب و با همت جوانان و همت مسئولان، در طول این سی و چند سال اتفاق افتاده است؛ اینها حوادث مهمی است. به برکت انقلاب، زیربناهای فراوان در این کشور ساخته شد؛ هزاران کارخانه در این کشور احداث شد؛

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یک پیامک بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

کارخانه‌های مادر در این کشور به وجود آمد؛ محصولاتی که با منت باید ذره ذره از بیگانگان میخریدیم و تهیه میکردیم، امروز به‌وفور در کشور تولید میشود؛ اینها را باید دید؛ اینها همه به برکت همان سه باوری است که امام در این ملت تزریق کرد و این باورها را در آنها برانگیخت: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود.

ما این حرفها را نمیزنیم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسیدیم، تمام شد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شما عرض کنم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامیِ مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست؛ همه به حد وفور - راه طولانی‌ای در پیش داریم. من این عرایض را میکنم برای اینکه جوانان عزیز ما و ملت شجاع ما بدانند که ادامه‌ی این راه را هم با همین سه باور میتوانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ میتوانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان میخواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی میکنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است.

نقشه‌ی راه هم در مقابل ما است. ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه‌ی بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما میخورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد. اصول امام، اصول روشنی است. خوشبختانه بیانات امام، نوشته‌جات امام در بیست و چند جلد در اختیار مردم است؛ خلاصه‌ی آنها در وصیتنامه‌ی جاودانه‌ی امام منعکس است؛ همه میتوانند مراجعه کنند. ما مفید نمیدانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به‌تنهائی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشه‌ی راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است. نقشه‌ی راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است.

> **اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی و حضور حماسی مردم در پای صندوقها است.**

در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملتهای مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهائی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان. وصیتنامه‌ی امام جلوی چشم ما است. نوشته‌های امام، فرمایشات امام، در کتابهائی که متن کلمات آن بزرگوار را درج کرده‌اند، موجود است.

در عرصه‌ی فرهنگ، اصول امام عبارت است از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی؛ نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین؛ دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام؛ مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفائی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهائی است که در فرمایشات امام واضح است.

توقع امام از مسئولین کشور همیشه این بود که با اقتدار، با مدیریت، با اداره‌ی عاقلانه و مدبرانه بتوانند این اصول را اجرائی کنند و پیش ببرند. این، نقشه‌ی راه امام بزرگوار است. ملت ایران با همتش، با جوانانش، با این نقشه‌ی راه، با ایمانی که در دل او راسخ است، با یاد امامش، میتواند فاصله‌ی کنونی را با آن وضع مطلوب پر کند. ملت ایران میتواند پیش برود. ملت ایران با توانائی‌هائی که دارد، با استعدادهائی که دارد، با انسانهای برجسته‌ای که بحمدالله در میان کشور حضور دارند، میتواند راه طی‌شده‌ای را که تجربه‌ی سی و چند ساله‌ی انقلاب است، با قدرت بیشتر و با همت جازمتر ادامه دهد و ان‌شاءالله به صورت الگوی حقیقی و واقعی برای ملتهای مسلمان در بیاید.

و اما درباره‌ی انتخابات که مسئله‌ی حساس و زنده‌ی این روزهای ما است. برادران و خواهران عزیزم! ملت عزیز ایران! انتخابات مظهر هر سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداباوری است، چون تکلیف است. وظیفه‌ی ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک‌تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم‌باوری است، چون انتخابات مظهر اراده‌ی آحاد مردم است؛ مردمند که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب میکنند. و مظهر خودباوری است، چون هر کسی که رأی در صندوق می‌اندازد، احساس

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یك پیامك بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی

KHAMENEI.IR
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

میکند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خداباوری است، هم مظهر مردم‌باوری است، هم مظهر خودباوری است.

اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است؛ حضور حماسی مردم در پای صندوقها است. حماسه یعنی چه؟ حماسه یعنی آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام میگیرد. هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدهید - این هشت نفر آقایان محترمی که در صحنه هستند - رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است. اینکه شما وارد عرصه‌ی انتخابات میشوید؛ چه آن کسی که نامزد ریاست جمهوری است، چه آن کسی که انتخاب میکند - مثل من و شما - نفْس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار انتخابات است؛ در درجه‌ی دوم هم، رأی به کسی است که یا شما، یا آن برادر و خواهر دیگر، یا بنده‌ی حقیر تشخیص داده‌ایم که برای آینده‌ی کشور مفیدتر از دیگران است.

دشمنان ما در خارج، بیچاره‌ها در فکر اینند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آنها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد، تا بتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه‌ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه به وجود بیاورند؛ کمااینکه در سال ۸۸ به دنبال آن انتخابات پرشور، فتنه درست کردند. دشمنان این ملت، دنبال این چیزهایند. اما آنها اشتباه میکنند، مردم ما را نشناخته‌اند. دشمنان این ملت، روز نهم دی را فراموش کرده‌اند. آن کسانی که فکر میکنند در این کشور یک اکثریتی خاموش و مخالف با نظام جمهوری اسلامی‌اند، یادشان رفته است که سی و چهار سال است که هر سال در بیست و دوم بهمن، در همه‌ی شهرهای این کشور، جمعیتهای عظیم به دفاع از نظام جمهوری اسلامی بیرون می‌آیند و «مرگ بر آمریکا» میگویند. برای اینکه فضای انتخابات را سرد کنند، هیئتهای فکری‌شان پشت سر رسانه‌ها و سخنگویان سیاسی می‌نشینند، مرتب حرف درست میکنند و تحویل رسانه‌ها میدهند. یک روز میگویند انتخابات مهندسی‌شده است، یک روز میگویند انتخابات آزاد نیست، یک روز میگویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست. نه مردمِ ما را می‌شناسند، نه انتخابات ما را می‌شناسند، نه نظام جمهوری اسلامی را می‌شناسند؛ آنجائی هم که می‌شناسند، بی‌انصافی میکنند و ابائی هم ندارند از این بی‌انصافی.

در کجای دنیا - هر کس سراغ دارد، بیاید بگوید - به نامزدهای گوناگون، از آن چهره‌های معروف تا چهره‌های گمنام، اجازه داده میشود که به طور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند؟ کجای دنیا چنین چیزی هست؟ در آمریکا هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری اگر چنانچه عضو این دو حزب یا سه حزب بودند و پشتیبانی سرمایه‌دارها و کارخانه‌دارها و پولدارها و مافیاهای ثروت و قدرت را با خودشان داشتند، میتوانند تبلیغات کنند؛ اما اگر نداشتند، اصلاً نمیتوانند تبلیغات کنند. هر کسی که انتخابات آمریکا را دنبال کرده باشد - بنده دنبال کرده‌ام - این را تصدیق میکند. افرادی بوده‌اند که مورد حمایت صهیونیستها نبوده‌اند، مورد حمایت شبکه‌ی سرمایه‌داری خونخوارِ بین‌المللی نبوده‌اند، هر کاری کردند، نتوانستند وارد میدان انتخابات شوند؛ نه رسانه‌ای در اختیار آنها بوده، نه تلویزیونی در اختیار آنها بوده؛ برای هر ثانیه باید چقدرها خرج کنند. در کشور ما نامزدهای نمایندگی به طور مساوی و برابر، بدون خرج کردن یک ریال، می‌نشینند آنجا، ساعتهای متمادی، با برنامه‌های گوناگون، با مردم حرف میزنند؛ کجا چنین چیزی در دنیا وجود دارد؟

برای وارد شدن در عرصه‌ی انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون است؛ بر طبق قانون یک عده‌ای میتوانند بیایند، یک عده‌ای نمیتوانند بیایند؛ قانون معین کرده شرائط چیست، صلاحیتها چیست؛ کسانی که تشخیص صلاحیت میدهند، چه کسانی‌اند؛ اینها همه‌اش بر طبق قانون دارد انجام میگیرد. آن دشمن بیرونی می‌نشیند، بر همه‌ی این واقعیتها چشم میبندد، حرفی میزند، و - همان طور که بار دیگری هم گفتم - متأسفانه حنجره‌های بی‌تقوا و زبانهای بی‌تقوا هم همانها را تکرار میکنند. اما ملت ایران به

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یک پیامک بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.
پیامک ۲۰۱۱۰

روزنگار ۲۹
روزنگار مروری کوتاه بر پیام‌ها و دیدارهای رهبر انقلاب اسلامی
KHAMENEI.IR دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

کتابچه انتخاباتی
گزیده‌ای از توصیه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره انتخابات ریاست جمهوری

2013 June 05
۲۴ رجب ۱۴۳۴

مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی

متن کامل بیانات

توفیق الهی، با حضور خود، با ایستادگی و عزم راسخ خود، به همه‌ی این ترفندها پاسخ خواهد گفت؛ و پاسخ ملت ایران، پاسخ کوبنده و قاطعی خواهد بود.

یک جمله هم خطاب به نامزدهای محترم عرض میکنیم. نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز میکنند؛ این حق آنها است؛ میتوانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمائی و منفی‌بافی و بی‌انصافی؛ به این نکته توجه کنند. من به هیچ کس نظر ندارم. از همین ساعت، رسانه‌های بیگانه با غیظ و غرض‌ورزی خواهند گفت: فلانی نظر به زید یا به عمرو یا به بکر یا به خالد داشت. این، خلاف واقع است؛ من به هیچ کس نظر ندارم؛ من حقایق را عرض میکنم. من به برادرانی که میخواهند اطمینان این مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت میکنم که منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمائی نباشد؛ به معنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای نباشد که چه در این دولت، چه در دولتهای قبلی انجام گرفته است و کسانی مثل خود آنها سر کار آمده‌اند و شب و روز تلاش کرده‌اند و آن کارها را انجام داده‌اند. انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید. امروز در کشور ما اگر کسی سر کار بیاید، احتیاج ندارد که از صفر شروع کند؛ هزاران کارِ برجسته انجام گرفته است. در سالهای طولانی، در دوره‌ی مسئولیتهای مختلف دولتها، هزاران زیرساخت اساسی برای این کشور به وجود آمده است؛ علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، کارهای زیربنائی پیشرفت کرده است، امور بسیار مهم در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرا شده است؛ اینها را نباید از دست بدهند؛ هر کاری میکنند، باید از اینجا به بعد باشد. این همه کار را نمیشود فقط به بهانه‌ی این که امروز مشکلات اقتصادی داریم، گرانی و تورم داریم، انکار کنیم؛ این که درست نیست. بله، مشکلات اقتصادی هست، تورم هست؛ ان‌شاءالله آن کسی که بعداً خواهد آمد، بتواند حلّال این مشکلات باشد، این گره‌ها را هم باز کند؛ این که آرزوی ملت ایران است؛ اما این معنایش این نباشد که اگر ما یک راه حلی برای مشکلات در نظر خودمان داریم، همه‌ی آنچه را که امروز انجام گرفته است و وجود دارد، انکار کنیم. بعد هم وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید.

رئیس جمهور در کشور ما و طبق قانون اساسی ما، امکانات فوق‌العاده زیادی در اختیار دارد. رئیس جمهور امکاناتش در قانون اساسی، امکانات وسیعی است؛ رئیس جمهور بودجه‌ی کشور را در اختیار دارد، همه‌ی ارکان اجرائی کشور را در اختیار دارد، ترتیب اجرای قوانین را در اختیار دارد، توانائی استفاده از همه‌ی افراد صاحبنظر را در سراسر کشور در اختیار دارد؛ رئیس جمهور در همه‌ی مسائل گوناگون دستش باز است. تنها محدودیتی که برای رئیس جمهور در کشور ما وجود دارد، محدودیت قانون است؛ قانون فقط به او محدودیت میدهد، که این هم محدودیت نیست؛ قانون، هدایت‌کننده است؛ محدودکننده نیست. قانون، راه را نشان میدهد که چگونه حرکت کنیم.

آن کسانی که امروز با مردم حرف میزنند، آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند؛ قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگِ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد. بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است. عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از این است که جمهوری اسلامی هست، ناشی از این است که امام در اذهان مردم و در برنامه‌های این کشور زنده است، ناشی از این است که روز ۱۴ خرداد - روز رحلت امام - مردم در سرتاسر کشور به جوش و خروش می‌آیند؛ عصبانیت آنها مربوط به این چیزها است. عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج و جبران کرد.

اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است، بتواند اقتصاد خود را روبه‌راه کند، دشمن در مقابله‌ی با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند. به‌هرحال آنچه که مهم است، عزم و اراده، باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود، هم برای نامزدهای انتخابات، هم برای آحاد مردم است. ده روز دیگر برادران من! عزیزان من! عرصه‌ی یک امتحان بزرگی است و امیدواریم ان‌شاءالله در این امتحان بزرگ، حماسه‌ای پربرکت و دارای نتائج درخشانی برای این ملت از سوی پروردگار رقم بخورد. «و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم».

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) آل عمران: ۱۷۳
۲) محمد: ۷
۳) جن: ۱۶
۴) فصلت: ۳۰
۵) رعد: ۱۱

علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال یک پیامک بدون متن به شماره ۲۰۱۱۰ در سامانه پیامکی KHAMENEI.IR عضو شوند.